



امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

گزارش های بازتاب یافته در شبکه های مجازی ، نشان از امنیتی تر و خوفناکتر شدن از همیشه ی دانشگاه شریف را از منظر خبری بنمایش گذاشت. امروز دوشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۱ ، سومین روز اعتصاب سراسری دانشجویان در اعتراض به سرکوب فراگیر و محکومیت فاجعه حمله به دانشگاه شریف، درخیابان ها ، مدارس و همه عرصه های رودررویی با کلیت نظام را به چالش کشید .

همه فریاد برمی آورند : دانشجویان عزیز ما را نزنید. به بند و زنجیر نکشید. به گلوله نبنیدید. آنان سرمایه های این آب و خاکند. آنان فرزندان زحمتکشان این سرزمینند. شما بیشتر خواهران- برادران و پدران شان را در نیزارهای ماهشهر به رگبار گلوله جنگی ، در زاینده رود خشک شده به گلوله های ساچمه ای بستید. برادرانشان را از کارخانه ها به خیل انبوه ارتش بیکاران رانیدید و دربرهوت زاهدان مسلسل هایتان را بی پروا بر روی مردم بیدفاع گشودید. به شما فرمان می دهیم: بس کنید! دیری نخواهد پائید که طومار شما را در می نوردیم !

دانشجویان دانشگاه تهران بیشتر برای پیوستن به اعتصاب سراسری دانشگاهها اعلام داشتند : « ... امروز که سراسیمه و با واهمه از یکی شدن دانشگاه و خیابان، درهای دانشگاه را که رو به خیابان بود به روی ما بسته اند تا این بار عریان و بی پرده جولانگاه نیروی حراست و امنیتی شود؛

امروز که رد تاریخ بر خیابان است، تاریخ مبارزه با ستم، شوریدن علیه تباهی، جنگ با «فقر و فساد و بیداد» برای «نان، کار، آزادی و پوشش اختیاری»

امروز که فریاد «نه روسری، نه توسری» از تاریخ سر برآورد و با آمیختن با فریاد اکنونی «آزادی و برابری»، راه آینده را نوید می دهد؛

امروز که خیابان، نماد مبارزه را، «ژینا» را، زن را، زندگی را، آزادی را، چشم در چشم تباهی حاکم فریاد می زند. در میانه ی این شکوه مبارزه و همبستگی، ما جمعی از فعالین صنفی دانشگاه تهران، در کنار دیگر صنف ها به فراخوان اعتصاب سراسری پیوسته و از شرکت در کلاس های مجازی خودداری می کنیم.

همچنین از تمامی فعالین دانشجویی، شوراها ی صنفی و دیگر نهادهای دانشجویی دعوت می کنیم که به این اعتصاب بپیوندند.

خطاب به اساتید و بدون لکنت می گوئیم که دستان همبستگی مردم را رها نکنند. مهسا را، محسن را، عبدالله را، نوید را و هزار ستاره ی دیگر را که می توانستند بهترین شاگردان شما و نزدیکترین دوستان ما باشند. آنان اکنون ستاره شدند. فراموش نکنیم.

تاریخ مبارزه، به کودکان ما که بسیاری شان پیش از آمدن به دانشگاه، سینه بر خاک می ساینند، آموخته که «نباید ترسید»؛ امروز به خیابان نگاه کنیم، بار دیگر این درس را مشق می کند: «راه که بیفتیم ترسمان می ریزد.»

آنچه شامگاه دیروز (دهم مهر) در دانشگاه شریف حادث شد ، پاسخ به فراخوان اعتصاب و در پی آزادی به بازداشت ۴ دانشجوی دانشگاه شریف بود. دانشجویان بازداشت شده که وعده آزادی آن ها با قید وثیقه داده می شود، هنوز آزاد نشده اند و این توهینی آشکار به دانشجویان مطالبه گر بود. به ناگهان در چشم بهم زدن شعاری « دانشجوی زندانی آزاد باید گردد» گر می گیرد و همه چیز با آغاز هجوم گز مکان امنیتی و نیروهای بسیجی دانشگاه شریف ، بدل به شبانگاهی پُر دلهره و هراس و دستگیری ها و شکار دیگر باره دانشجویان و سوار ون کردن آنان می گردد .

دانشجویانی که شاهد دستگیری دمنشانه‌ی دوستان خود هستند، با شعارهایی واکنش نشان می‌دهند. در مقابل پاسخ نیروهای لباس شخصی، تیراندازی با تفنگ " پینت‌بال" و ساچمه‌ای به سمت دانشجویان است. دانشجویان پیام یاری رسانی سر میدهند. به چشم برهم زدنی تهران به سمت خیابان آزادی به حرکت در می‌آید تا فضا را بر پیشروی نیروی سرکوب تنگ سازد! با بوق زدن سرنشینان خودروورها و فریاد مرگ بردیکتاتور سر دادن جمعیت آمده در صحنه ، فضا را بر نیروی سرکوب هر چه تنگتر می‌کند. در این وضعیت حتی حضور رییس دانشگاه صنعتی شریف دکتر رسول جلیلی معتمد خامنه‌ای و معاونین، کار ساز نیست . برآورد می‌شود در این مرحله، حداقل ۳۰ الی ۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شریف، دستگیر شده باشند. از وضعیت اکثر این دانشجویان و نهاد بازداشت‌کننده آن‌ها، هیچ اطلاعی در دست نیست. نگاهی به صورت حادثه بس تلخ دیشب دانشگاه شریف آنچنان لبریز از خشم است که حتی «انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف: امروز طی اطلاعیه اعلام می‌دارد: « یکشنبه دهم مهرماه روز خونین دانشگاه بود، روزی که به حقیقت در کنار ۱۸ تیر ۷۸ و ۲۵ خرداد ۸۸ لکه ننگین دیگری بر کارنامه حاکمیت در برخورد با دانشجویان معترض خواهد بود.» و ادامه می‌دهند : « گرچه دل هر انسان آزاده‌ای با دیدن آنچه بر دانشجویان این سرزمین رفت، خون و چشمان هر انسان بینایی، تر خواهد شد اما در پس این خشونت عریان، به نظر می‌رسد سناریویی از پیش طراحی شده برای خفه کردن صدای دانشجویان معترض وجود داشته و دانشگاه شریف قرار بوده است محل عبرت بقیه دانشگاه‌های کشور و البته عقده‌گشایی‌های اقلیتی تندرو شود. ...» و فریاد بر می‌آوردند : **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** ما فاتحه‌ی این دانشگاه را خواندیم، ما فاتحه این وزارت علوم را خواندیم، ما فاتحه این دولت را خواندیم.»



بیگمان در شرایط ناکامی حاکمان در برابر پیشروی و مقاومت اعتصاب دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور و اعتصاب استادان دانشگاه‌ها و حتی دانش‌آموزان و برخی معلمان دبیرستان‌ها، پهنه رویارویی با حکومت اسلامی را به نقطه اوج رسانده است .

پرسش بنیادی این است چرا این تهاجم وحشیانه متوجه دانشگاه شریف شده است؟! زیرا که این دانشگاه ، نوک پیکان جهانی نو و آرزومندی همه پیکارگران عرصه کار و تلاش جامعه مان در پیوستن به جنبش عظیم آزاده‌خواهی مردمان ایران تجلی می‌یابد و هراس رژیم از جنبش عظیم دانشجویی و بویژه دانشگاه شریف در پیوند و پیوستگی آن با سایر جنبش‌های مطالباتی زنان ، زحمتکشان ، بازنشستگان، معلمان ، کارگران و دیگر مبارزات روزمره جامعه ما سرچشمه می‌گیرد .

همه این رویدادها نشان از آن دارد که اگر جنبش دانشجویی با سایر جنبش‌های اجتماعی ما پیوند یابد به عضله‌ای ستبر فرا می‌رود که طومار همه ارکان حکومت جهل - جنون - جنایت را به لرزه در خواهد آورد . این مهم را دریابیم و در جهت سازمانیابی این پیوند ها ، خود بسان نوک پیکانیست که باید در راهبرد مبارزه امروز ما نقش تعیین خود را ایفا کند. چنین کنیم و چنین بادا!

دوشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۰۳ اکتبر ۲۰۲۲

<http://karegari.com>